

دانش، نخستین نشریه آموزشی گاهی ایران

اثر: سید فرید قاسمی*

(ص ۵ تا ۲۲)

چکیده:

مقاله حاضر، بررسی علمی و پژوهشی است درباره نشریه دانش، نخستین نشریه آموزشی گاهی ایران و از ابزار مهم اطلاع‌رسانی که در دارالطباعه دارالفنون تهران، طبع و نشر می‌شد و حاوی مطالب علمی، اجتماعی و دانستیهای تاریخی، مطبوعاتی و انشاپردازی سودمندی است که اینک از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

واژه‌های کلیدی: دارالفنون، دارالایمان قم، مفتاح‌العلوم، علیقلی مخبرالدوله، صنیع‌الدوله، میرزا علی‌اکبر خان شیرازی، محمد کاظم بن احمد، میرزا عباس.

از روز سه شنبه ۲۳ رجب ۱۲۹۹ قمری زیر نظر علیقلی مخبرالدوله وزیر وقت علوم و با سرمایه این وزارتخانه نشریه‌ای با عنوان دانش در «دارالطباعه خاصه علمیه» در مدرسه دارالفنون تهران چاپ و منتشر شد. بر دو سوی عنوان این نشریه نوشته‌اند: «حاملین این روزنامه در طهران و غیره از سایر بلاد ایران حق مطالبه قیمت ندارند»، و «اعلان این روزنامه قیمت ندارد». در زیر عنوان نیز آورده‌اند که: «روزنامه دانش ماهی دو مرتبه طبع و مجاناً تقسیم می‌شود و هر کس اخبار و اطلاعات که به علوم مربوط و منوط به تربیت باشد به اداره وزارت علوم بفرستد به اسم و رسم نوشته خواهد شد». البته گردانندگان این نشریه نتوانسته‌اند به وعده

خود وفا کنند و «ماهی دو مرتبه» این نشریه را منتشر کنند. ۱۴ شماره دانش این تاریخها را دارد:

«نمره اول»: «شنبه ۲۳ شهر رجب ۱۲۹۹» ق. برابر با «دهم ماه ژون فرانسه سنه ۱۸۸۲ مسیحی».

«نمره دوم»: «شنبه ۷ شهر شعبان ۱۲۹۹» ق. برابر با «بیست و چهارم ژون ماه فرانسه سنه ۱۸۸۲».

«نمره سیم»: «دوشنبه غره شهر رمضان سنه ۱۲۹۹ هجری» برابر با «هفدهم ژولیه ماه فرانسه سنه ۱۸۸۲ مسیحی».

«نمره چهارم»: «دوشنبه پانزدهم شهر رمضان سنه ۱۲۹۹ هجری» برابر با «سی و یکم ژولیه ماه فرانسه سنه ۱۸۸۲ مسیحی».

«نمره پنجم»: «چهارشنبه غمره شهر شوال المکرم سنه ۱۲۹۹ هجری» برابر با «شانزدهم اوت ماه فرانسه سنه ۱۸۸۲ مسیحی».

«نمره ششم»: «پنجشنبه شانزدهم شوال المکرم سنه ۱۲۹۹ هجری» برابر با «سی و یکم اوت ماه فرانسه سنه ۱۸۸۲ مسیحی».

«نمره هفتم»: «جمعه غره شهر ذیقعه الحرام سنه ۱۲۹۹ هجری» برابر با «چهاردهم سپتامبر ماه فرانسه سنه ۱۸۸۲ مسیحی».

«نمره هشتم»: «شنبه شانزدهم شهر ذیقعه الحرام سنه ۱۲۹۹ هجری» برابر با «سی ام سپتامبر ماه فرانسه سنه ۱۸۸۲ مسیحی».

«نمره نهم»: «یکشنبه غره ذیحجه الحرام سنه ۱۲۹۹ هجری» برابر با «پانزدهم اکتبر ماه فرانسه سنه ۱۸۸۲ مسیحی».

«نمره دهم»: «دوشنبه شانزدهم ذی الحجة الحرام سنه ۱۲۹۹ هجری» برابر با «سی ام اکتبر ماه فرانسه سنه ۱۸۸۲ مسیحی».

«نمره یازدهم»: «دوشنبه غره شهر محرم الحرام سنه ۱۳۰۰ هجری» برابر با «۱۳ نوامبر ماه فرانسه سنه ۱۸۸۲ مسیحی».

«نمره بیستم»: «دوشنبه شانزدهم شهر محرم الحرام سنه ۱۳۰۰ هجری» برابر با «۱۳ نوامبر ماه فرانسه سنه ۱۸۸۲ مسیحی».

«نمره سیزدهم»: «سه شنبه غره شهر صفرالمظفر سنه ۱۳۰۰ هجری» برابر با «دوازدهم دسامبر ماه فرانسه سنه ۱۸۸۲ مسیحی».

«نمره چهاردهم»: «چهارشنبه شانزدهم شهر صفرالمظفر سنه ۱۳۰۰ هجری» برابر با «۲۷ دسامبر فرانسه سنه ۱۸۸۲ مسیحی».

در شماره اول دانش درباره انگیزه انتشار این نشریه چنین می خوانیم: «ابتدئت بسم الله الحمیدالمجیدأته فعال لمايشاويريد [۱] بر روان ارباب دانش و اصحاب بینش که دوحه علم و حکمت را اغصان نضیره اند و اوج کمال و معرفت را شمس منیره مکشوف و مشهود باد که چون خدای علت کلمه و جلّت قدرته خواست تا کنز نهفته پیدا سازد و رمز ناگفته هویدا نماید یعنی گوهر فضل و دانش که از دیر باز عهود سالفه و قرون ماضیه در پرده اختفا مستور و در کنج انزوامهجور بوده جلوه بروز دهد و به منصفه ظهور آورد ذات ملکی صفت اشرف اقدس همایون اعلیحضرت قویم قدرت قویشوکت شاهنشاه جمجاه اسلام پناه را که تا جهانست با کوکب سعدقرین و با شاهد اقبال همنشین باد [...] تا همگی همت والا همت ملوکانه را به بسط عدل و رافت و نشر فضل و حکمت مصروف نماید و رسم ضلالت و آیین جهالت که در اقطار ولایت منتشر بود موقوف فرماید تا دیگر حواشی و خدم و رعایا و امم به حکم الناس علی دین الملوک بدین طریقه التزام سلوک نمایند و این نکته خود [...] خیر واضح و هویدا و اظهر من الشمس فی وسط السماست که این سلطنت را بر سلاطین قدیمه همان ترجیح است که انسان را بر نوع بهیمه چه اشاعت معروف و اغاثت ملهوف این خدیو جهانبان ایدالله جیشه و ابدعیشه زیاده از آنست که قوت تقریر احصا [نتوان] کرد با کلک تحریر انشا قُل لواجتمعت الانس و الجنّ الی اخرها.

در سوابق ایام و سواف اعوام روزنامه علمی در اداره وزارت علوم طبع به مردم داده می شد و به سبب اتفاق بعضی موانع طبع و انتشار آن موقوف و معطل مانده بود چندی قبل بنده درگاه و چاکر دولتخواه از خاکپای اقدس همایون استقرار

خدمات موکوله که انجام آنها اهم می نمود در عهده تأخیر مانده و اینک که فراغتی اندک حاصل شده نوبت رجوع به مقصد و شروع به مقصود است انشاءالله تعالی هر ماه دو مرتبه فقرات لازمه و مطالب مفیده که متعلق به علوم است مطبوع و به اطلاع ناظرین می رسد امید که دربارگاه گردون [...] ملوکانه از دولت قبول محروم نماند و استل الله الاعانه و التوفیق».

در ادامه این مطلب به چگونگی تأسیس مدرسه دارالفنون و فعالیت سی ساله آن به طور مختصر و آنگاه به «بنای مریضخانه» پرداخته شده که در ادامه مطلب «مریضخانه» پس از اشاره به «وضع معالجه اطبا و مواظبت اجزا و طرز سلوک پرستاران و وضع حالت بیماران» که قول داده می شود «در نمره های بعد ثبت و به اطلاع ناظرین» برسد به «آرتیکلی در قدح و مذمت سوء تدبیر حسنخان و میرزا عبدالله در نمره (۳۵) روزنامه اطلاع مشاهده شد» پاسخ می دهد و می نویسد: «چون در اداره وزارت علوم به نظر تدقیق و به طرز تحقیق ملاحظه رفت از سوغ و سیاق عبارت آن محقق و معین گشت که الحق نگارنده آرتیکل از زیور علوم طیبه عاطل است و در فنون حکمیه جاهل آنچه نگاشته فقط از روی عدم اطلاع و مخالجه اشتباه بود و حال آن که این دو تن از فحول اطبای حاذقند و مراتب و مدارج [...] سالها زحمت کشیده و متحمل صدمات گردیده اند تا طب و طبیعی تکمیل نموده و دواسازی و شیمی تحصیل کرده اند قدح این گونه مردم دور از رسم انسانیت است و خارج از شیوه انصاف و مردمیت و این نکته خود بر غرض نفسانی و خیالات شیطانی دلیل متقن است که مطلبی در پنج ماه قبل واقع شود نه به مجلس حافظ الصحه دولتی اظهار کنند و نه به وزارت علوم اطلاع دهند و بعد از این مدت مدید این عبارات [...] را به اداره اطلاع بفرستند و طبع نمایند وزارت علوم چون اقوال او را از قانون صواب دور دید درخور جواب ندانسته به خاموشی حواله کرد اگر مدعی را هوس مباحثه علمی در سر است در مجلس حافظالصحه دولتی که به وجود اطبای بزرگ مزین است حاضر شود و گفتگوی علمی نماید تا قول قویم

باشد

ولی میرزا کاظم که مدرسین مدرسه مبارکه را از اعظام است در رد قول قائل و طرد گفتار باطل جواب مسطور ذیل را مرقوم داشته که هم تشریح ماجرای مریض است، هم توضیح مداوای طبیب و ما آن را بر سایر مطالب تقدیم و رفع اشتباه را به طبع می‌رسانیم».

بدین ترتیب پاسخ «میرزا کاظم» به «آرتیکل اطلاع» تا پایان شماره یک دانش را دربرگرفته است. میرزا کاظم در ابتدا خاطر نشان می‌کند که «از روی کمال بی‌عرضی و منتهای اطلاع» این پاسخ را می‌نویسد و در پایان یادآور می‌شود که «از نگارنده آرتیکل معذرت» می‌خواهد «که اگر قلم شکسته در این صفحه برخلاف ادبی جاری شده باشد از راه پند حکیمانه و نصایح مشفقانه دانسته و معذور دارد و پوزش بپذیرد» و با این شعر خاتمه می‌دهد که: «زگفتار من گرنه بینی صواب بسوزان به آتشی به شویان به آب». مطالب شماره نخست دانش تیترا ندارند.

پس از انتشار شماره یک دانش مخبرالدوله متنی را که در پی می‌آید برای محمد حسن خان ارسال داشت: «صورت رقعۀ ایست که در موقع ابداع روزنامه دانش جناب مخبرالدوله وزیر علوم و معادن و تلگراف به جناب صنیع الدوله رئیس کل دارالطباعة‌های ممالک محروسه و دارالترجمه خاصه شریف نوشته‌اند.

فدایت شوم نمره اول روزنامه دانش را اینک خدمت جناب اجل عالی دام‌اقباله ایفاد نمود ملاحظه خواهند فرمود امیدوارم پسند خاطر شریف شود اگر چه در نمره اول بعضی مقدمات چیده‌ام برای فقرات آینده و هنوز مطلب علمی ندارد انشاءالله در نمره دیگر ذکر خواهد شد حالا با این تفصیل امیدوارم پسند نموده و مخلص را وکیل خواهید فرمود که چون این روزنامه مجانی است و قیمتی گرفته نمی‌شود در مدرسه چاپ کرده در میان مردم منتشر سازد زیاده سلامت وجود شریف است».

محمد حسن خان در خاطراتش درباره این روزنامه چنین نوشته است:

است به حضور فرستاده بود ندیدم».

«سه شنبه ۲۶ [رجب ۱۲۹۹ ق:]: شاه روزنامه دانش را مطالعه کرده بودند، اثر خوبی نکرده تا بعد چه شود».

«پنجشنبه ۲۸ [رجب ۱۲۹۹ ق:]: دیشب مخبرالدوله کاغذی نوشته بود و به جهت طبع روزنامه دانش اذن خواسته بود. معلوم شد که اشاره از طرف شاه شده بود. والاتکبر و غرور او به حدی بود که به من اعتنا نمی‌کند».

جالب است شرحی که محمدحسن خان برای مخبرالدوله نوشته و در نشریه دانش هم چاپ شده است، با خاطرات وی بسیار متفاوت است:

«جناب صنیع‌الدوله که در فضل و بلاغت محسود افاضل آفاق است و مجمع مکارم اخلاق رقعۀ مسطورۀ ذیل را که با سلاست آب زلال و رشاق سحر حلال است مشعر بر تهنیت نمرۀ نخستین این همایون نامه به وزارت علوم فرستاده و نه بر لطف عبارت آن بلکه بر حُسن سیرت خویش مبالغه فرموده‌اند و الحق کلک از خواجه مهین در عرض سحر و اعجاز سر (فَإِذْهِی تُعْبَانُ مُبِیْنٌ) آشکارا داشته و نطق آن آسمان فصاحت در عرصۀ میدان بلاغت راز (انّ من البیان السحراً) هویدا فرموده دانایان اوایل و داران یا فضایل کجایند تا از نوادر طبع آن حضرت آویزۀ سمع نمایند تا غریزی روضه بینند و طبیعی نسترن کتاب لوانّ اللیل یرمی بمثله [:] لقلت بدت عن حجر تیه ذکاء / ضرائر الا انهن اوالف / شوارد الّا ائهن سوا و مامحض تشکر و امتنان از حسن عقیدت جناب معظّم الیه شرح آن رقیمه ملاطفت شیمه را زینت تارک و زینت عنوان این خجسته ناصر می‌نماییم [:] و هی هذه [:] فدایت شوم عنوان صحیفۀ درایت و بینش یعنی نمرۀ اول روزنامه دانش که با رقیمۀ شریفه ارسال فرموده بودند باعث حصول امیدواری تازه و بهجتی بی‌اندازه گردید بی‌تملق جناب اجل عالی به هر کاری که اقدام نموده و بذل جهد و اهتمام فرموده‌اند آغاز آن کامل و انجام اکمل صورت آن جمیل و معنی اجمل بوده است و هر دانشمند با فطانتی آن را ستوده (چنین کنند بزرگان چون کرد باید کار) طریقه اهل

گرانها مزین و محلی به معانی لطیفه و از هر جهت مستحسن بود اگر بخواهند بدانند چه اثر در خیال و وجود ارادتمند نمود اثر باد نورو و باران بهار بلکه اثر شفا در مزاج علیل و طبیعت بیمار سموم جهالت و نادانی را دانش تریاق است و این نکته مسلم اقطار و آفاق زهی اسم مسمی که از سماء دایت نزول کرده و مژده رحمت و سعادت آورده و فی الحقیقه کدام سعادتست که از نشر علوم و معارف و بث فنون و فضایل بالاتر و والا باشد عقلای مجرب و حکمای مهذب دوی علنها و علاج ذلتها را منحصر به همین دیده‌اند و به میزان عقل و اختیار بارها این کار و نتایج حسنه آن را سنجیده [۴] باز سخن از مقوله دانش خارج نشود و دنبال جمله معترضه نرود آنچه در این ورقه درج شده بود با وجود سلاست الفاظ و نفاست معانی و حسن تمثیل و لطف تشبیب همه در جای خود دارای مقامی منیع و جمله را شانی رفیع و شمایی بدیع است مثل آب زلال و سحر حلال‌الله در قائله از آن مبادی لوالحق و خواتیم را می‌توان دریافت که چگونه و به قول معروف مُشت خروار را نمونه با نور این چراغ تاریکیها مُبدل به روشنی کرد و هرتهی دستی از این سرمایه غنی شود چون ارادتمند خود نیازمند این راه است و اجمالاً از این طریق با خبر و آگاه پیش از همه کار و بیش از همه کس این اقدام جناب اجل عالی را تهنیت می‌گوییم و تشکر می‌کنیم سعادت را یار و مددکار این مقصد و توفیق را رفیق این مهّم و مطلب می‌خواهم و با کمال شغف عرض می‌کنم (نیت خیر مگردان که مبارک فالی است) اگر از این جانب یعنی از مخلص خالص الوداد صمیمی الاتحاد درین کار معاونتی بخواهند حاضر و در انجام هرگونه خدمت و اقدامی به دقایق ارادت ناظر است زیاده عرضی نیست محمدحسن».

از شماره دوم به بعد در این نشریه این تیتراها را می‌بینیم:

«رسالة مفتاح العلوم چون به سؤال و جواب معنون است س علامت سؤال وج نشانه جواب رسم می‌شود» این «رساله» که ترجمه جعفرقلیخان رئیس مدرسه دارالفنون است از شماره ۲ (شنبه ۲۳ رجب ۱۲۹۹ ق) تا شماره ۱۴ (چهارشنبه ۱۶

«معلمین ایرانی و فرنگی»، «خلفا و شاگردان حالیه مدرسه و غیره» و «مباشترین» مدرسه دارالفنون تهران، «سواد رقیمه جناب اشرف وزیر امور خارجه»، «اخبار وزارت علوم»، «مطلبی است که در تحقیق فواید علم و دانش نوشته‌اند»، «افیون»، «تبریک» که شعر میرزاحمدکاظم متخلص به الفت درباره نشریه دانش است، «علوم طبیعی»، «اما تاریخ طبیعی»، «شیمی»، «علوم طبیعی»: «هوا» و «خواص ظاهری هوا»، «افیون»، «اخبارطبی»، «وزارت علوم»، «سواد دستخط» ناصرالدین شاه، «تدبیر حفظ تاک و انگور از سرما»، «رساله ذوات الاذنب از تألیفات معتمدالسلطان حاجی نجم‌الملک»، «مطلب ذیل را محض حفظ صحت عامه به اداره دانش فرستاده‌اند»، «اخبار وزارت علوم»، «امتحان احساسات موسیقی» که «مسیولمر معلم کل موزیک به اداره دانش فرستاده است»، «ترجمه احوال ذو ذنب حالیه از روزنامه فرانسه»، «کوبیدن ماده سمی سگ دیوانه»، «مطلب ذیل را مقرب الخاقان آقا میرزانهضرت‌الله تنکابنی حکیم حضور مبارک به اداره دانش فرستاده است [:] علاج کچلی»، «نسخه»، «شرحی است که معتمدالسلطان میرزاحمدوخان مفتاح‌الملک به اداره دانش ارسال داشته است [:] در علم رمز»، «رمز مزبور این است»، «مرض دیفتری» و «صنعت باسمه تصویر بقاعده لیتگرافی». افزون بر اینها مطالبی همچون نامه محمدحسن خان صنیع‌الدوله به نشریه دانش و یا مقاله ترجمه شده از «روزنامه حفظ الصحه منطبعة پاریس» نیز مندرج است که تیترا - عنوان - ندارند.

نگارندگانی که نامشان در ذیل مطالب آمده، این نامها را دارند: میرزا کاظم (از مدرسین مدرسه دارالفنون) که گویا با نام‌های محمدکاظم بن احمد معلم طبیعی و میرزاحمدکاظم متخلص به الفت هم مطالبی دارد؟، محمدحسن خان صنیع‌الدوله «مؤتمن‌الملک میرزاسعیدخان» (وزیر امور خارجه ایران)، میرزایوسف خان مستشارالدوله، نجفعلی، مرتضی قلی خان (فرزند مخبرالدوله وزیر وقت علوم)، جعفرقلیخان (سرتیپ اول و رئیس مدرسه دارالفنون)، نجم‌الملک، «مسیولمر

ناصرالدین شاه) و میرزا محمودخان مفتاح‌الملک که از این میان محمدکاظم بن احمد (معلم طبیعی مدرسه دارالفنون) بیشترین سهم را در نگارش مطالب نشریه دانش دارد و گویا نویسنده ثابت و اصلی این نشریه است. بعضی مطالب دانش امضای مستعار همچون: «ی» و «کا» دارند که به احتمال قوی همان محمدکاظم است. بسیاری از مطالب آن نیز از جمله خبرها بدون ذکر نام نویسنده‌اند.

مدرسه دارالفنون، وزارت علوم و «اخبار طبی» بیشترین خبرها را در نشریه دانش دارند: «بنا به عادت و رسم هر ساله که از جانب اولیای دولت علیه مقرر است مدت چهل روز تا اوایل شهر شوال مدرسه دارالفنون تعطیل دارد و معلمین و متعلمین از تعلیم و تعلم معاف‌اند».

«محض دعاگویی وجود مبارک اعلیحضرت همایونی روحانفاده به رسم معموله همه ساله مدرسه مبارکه دارالفنون ایام عاشورا تعطیل است».

«وزارت علوم [:] مدرسه مبارکه دارالفنون که بر حسب قانون کلی از نیمه شهر شعبان المعظم تا اوایل عشر آخر شوال المکرام هم به سبب گرمی هوا تابستان و هم به جهت آزادی و استراحت متعلمین که تمام سال را زحمت تحصیل دارند بسته بود روز شنبه بیست و پنجم ماه مزبور مفتوح گردید و عموم معلمین و متعلمین حاضر و مشغول تحصیلات علمی و علمی می‌باشند».

بر حسب امر قدرقدر جهانمطاع بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحانفاده جناب جلالتمآب مخبرالدوله وزیر علوم و معادن و غیره یکنفر مهندس معدن از فرنگستان خواسته بودند که هم در مدرسه مبارکه به تعلیم متعلمین مخصوص اشتغال ورزد و هم در صورت لزوم به خدمات متعلقه به معادن اقدام نماید در این روزها مستر هادکینسن مهندس معدن انگلیسی که برای انجام این خدمات منتخب شده بود و مردی عالم و عامل است وارد شد و یکدسته شاگرد مخصوص معدن به مشارالیه سپردند که در مدرسه آنها را از تمام شعب علوم متعلقه به معدن تعلیم نماید و از اخبار تلگرافی نیز معلوم می‌شود یکنفر دکتر با علم و عمل

برلن بیرون آمده و در راه است و عنقریب بر سر خدمت خود حاضر خواهد شد به موجب خبر تلگرافی نواب محمدحسن میرزای سرتیپ مهندس و رئیس مدرسه تبریز که در ایام تعطیل در خدمت جناب اجل امجد امیرنظام دام‌اقباله‌العالی به ارومیه رفته بود این روزها مراجعت نموده مدرسه مزبوره را باز و معلّمین و متعلّمین را احضار کرده آغاز درس و مشق نهادند».

«اخبار وزارت علوم [:] دکترالبوکه یکی از معارف اطبای برلن پای‌تخت مملکت المانی است و برحسب امر جهانمطاع اعلیحضرت اقدس همیون شهریاری روحانفاده و انتخاب جناب جلالتمآب مخبرالدوله وزیر علوم و معادن و غیره برای تدریس مدرسه مبارکه دارالفنون احضار شده بود در این روزها وارد دارالخلافه باهره گردید کتابچه فهرست و دستورالعملی (برگرم) جهت تربیت تحصیل علوم متعلقه به طبابت نوشته عما قریب در مراتب علوم طبیه و سایر شعب متعلقه به این فن شریف و اعمال ید و کلنیک (درس عملی شاگرد در سر بیمار) در مدرسه و مریضخانه مبارکه اقدامات لازمه را به عمل خواهد آورد امید چنانست که این طبقه طلاب طبیه از هر حیثیت [...] فارغ‌التحصیل شوند و از یمن تربیت بندگان اعلیحضرت قویشوکت شاهنشاه اسلام پناه روحانفاده اطبا حاذق با علم و عمل از این مدرسه مبارکه بیرون آیند و عموماً رعایا و بریاز ایشان مستفید و مستفیض شوند».

نمونه‌های خبرهای «حفظ‌الصحه» و «اخبار طبی» نیز چنین‌اند:

«دارالایمان قم که یکی از شهرهای نزدیک دارالخلافه باهره است و تاکنون طبیبی حاذق از تربیت یافتگان مدرسه دارالفنون مثل سایر بلاد در آنجا مأموریت نداشت در این اوقات عالیجاه میرزا علی‌اکبرخان شیرازی که یکی از تربیت شدگان هنرمند صاحب فضل مدرسه است به حافظ‌الصحه‌گی آنجا مأمور و روانه شد».

«اخبار طبی [:] از قراری که از قم نوشته‌اند میراز علی‌اکبرخان شیرازی طبیب مخصوص جناب جلالتمآب اعتضادالدوله و حافظ‌الصحه دارالایمان قم برحسب خواهش جناب آقامیرزا ابوالقاسم امام جمعه آن بلد در پیرمرد ضعیف البنیه [ای]

بدون خطر و زحمت آن سلعه را بیرون آورده است چون وزن آن سلعه بیش از هیجده سیر بوده و پس از خروج آن مریض فقیر قادر بر هرگونه کاری شده عموم مردم از طبیب تمجید نموده زبان به دعای بقای عمر و دولت اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنفاذ گشودند که اسباب رفاهیت عامه آماده شده است.»

«... در بسیاری از ولایات و بلاد معظمه دولت علیه ایران اطبای با علم و عمل از مدرسه مبارکه دارالفنون مأمور خدمت دولتی و ملتی می باشند و عموم ناس از ایشان بهره مند می شوند و در حفظ صحت اهالی آن بلاد مراقبت تامه به عمل می آورند از آن جمله از ساری نوشته بودند در این ایام یک طفل و یک مرد از استرآباد مخصوصاً به استعلاج آمده بودند و میرزامحمدتفرشی طبیب حافظالصحه که از تربیت یافتگان مدرسه مبارکه است درکمال استادی سنگ مثانه آنها را بیرون آورده است و آن مرد صاحب پنج سنگ منفصل بوده و آن طفل یک سنگ بسیار بزرگی داشته که وزناً یک سیر شده است.»

اعلان نیز از دیگر مندرجات نشریه دانش است. مجموعاً سه اعلان در دوره این نشریه چاپ کرده اند. یک اعلان درباره امتحان «اطبا» و «دوافروشان» و دو اعلان کتاب. متن این سه اعلان چنین اند:

«اعلان [۱]: این اوقات مقروع سمع همایون و معروض خاکپای مبارک شد که در دارالخلافة الناصره اطبای غیر حاذق و اشخاص نالایق را داعیه طبابت به خاطر رسیده وبه معالجه جسارت ورزیده اند از آنجا که پیشنهاد خاطر خطیر اقدس و اقتضای رای جهان آرای مقدس همواره حفظ نفوس عموم نوکر و رعیت و ترفیه حال قاطبه اهالی مملکت است امر قدر قدر همایونی نافذ شد که در وزارت علوم مجلس امتحانی برای اینگونه اطبا تشکیل یابد تا به مقتضای (هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون) عالم از جاهل پدیدار گردد و حق از باطل ممیز آید لهذا انجام این خدمت و اتمام این نعمت را در کتابخانه مدرسه مبارکه از چهارم شهر شعبان مجلسی که به وجود رؤس افاحم اطبا و وجوه اعظم حکما که مجلس با

امتحان شد و عمّا قریب رد و قبول هر یک از اطبا که به معرض امتحان می آیند در نمر [ه]های آتیه ثبت و اطلاع ناظرین را عرضه می دارد. پس از انجام این عنوان و اختتام این امتحان شروع به استغرای در عمل دوا فروشان و تصحیح شغل عطاران خواهد شد و قوانین محکمه و قواعد لازمه در آن باب موضوع می شود که نفوس محترمه را از خطر دواهای عوض و غلط محفوظ و ایمن نماید و شرح قوانین موضوعه در اوراق مستقبله متدرجاً مندرج می آید».

«اعلان [:] کتاب شرح فصوص الحکم قیصری که از کتب معتبره حکمت است و قریب بیست هزار بیت کتابت دارد این اوقات در دارالطباعه مخصوصه مدرسه مبارکه دارالفنون به وضعی خوش و اسلوبی پسندیده خیلی صحیح و خوب در کاغذ سفید اعلی باسمه شده در تیمچه کتابفروشان در حجره آقا میرزا محمد علی کتابفروش شیرازی بفروش می رسد هر جلد پانزده هزار دینار»

«اعلان [:] کتاب یوسف و زلیخا از تصنیفات حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی علیه الرحمة با کمال امتیاز و خط خوش و مصور در طبع علمیه به طبع رسیده در سرای مرحوم امین الملک در حجره آقا میرزا محمد علی تاجر کتابفروش شیرازی موجود است جلدی سه هزار دینار بفروش می رسد».

دیگر نامه چاپ شده درباره دانش مندرج در این نشریه نوشته میرزا سعیدخان مؤتمن الملک وزیر وقت خارجه است. که پیش از آن مقدمه‌ای متملقانه دارد:

«صاحب نفس روحانی و دارای عقل آسمانی کاشف معضلات و شکافنده مشکلات نتیجه بلغای قرازه و قحطان فصحان و نخبه فصحای خزاغه و عدنان جناب مستطاب اجل مؤتمن الملک میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه دولت علیه ایران زید اقباله العالی که در جلالت قدر و عظمت شأن شهره آفاقند و در علو منزلت و سموم مرتبت یگانه و طاق در تمجید روزنامه دانش سطری چند نگارش فرموده و در حقیقت معانی جلیله را در الفاظی قلیله جای داده اند و دست فصحای عجم و

این نمره درج نمود تا همگان از آن بهره مند شوند».

«سواد رقیمه جناب اشرف وزیر امور خارجه» نیز چنین است:

«جناب جلالتمآبا مخدم مکرم مهربانا روزنامه دانش را که فی الحقیقه برای ارباب ذوق و صاحبان علم و بصیرت دفتر بینش است به شوق تمام از آغاز تا انجام خواننده به حدی از دقایق انبیه و نکات رشیه آن محظوظ شدم که سالها بود این گونه حظ معنوی در خاطر بنده حاصل نبود و همیشه با خود می گفتم که چنین روزنامه [ای] علمیه باید به طبع آورد تا فضلا را به کار آید و ادبا را بلاغت افزاید بحمدالله جناب عالی در سایه اقبال مصون از زوال اعلیحضرت قویشوکت شاهنشاه بیهمال روحانفاده این توفیق را یافتید و آرزومندان را به آمال خود رسانیدید الیوم انجزت الامال ما وعدت و ادرك المجد اقصی ما تمناه بعد از تحصیل حظ [وافی] از ملاحظه آن مخصوصاً به فیروزخان سپردم که نمره [های این خجسته روزنامه را خیلی به ترتیب و نظم نگاه دارد تا مجلد سازم و بخواندش بر این عهد همایون بنازم زیاده زحمتی ندارد ایام به کام باد».

پس از این دو تمجیدنگاری، تمجید سرایی را هم در این نشریه می بینیم که شعر میرزا کاظم متخلص به الفت است:

«میرزا کاظم متخلص به الفت قطعه چامه [ای] در تبریک و تاریخ این نامه سروده است و از صدف خاطر دُرر [...] ظاهر نموده به عینها نقل می شود (تبریک) زسعی خسرو صاحبقران و بخت بلندش

افراشت علم به بام سپهر پرچم رایت
ستوده ناصر دین شاه آنکه تا ابد الدهر

خدای را به رخس باز باد چشم عنایت
رهین منت او گشته اند ملت و دولت

که هر دو را هنر افزود از کمال درایت
هر آنچه یافت زانواع علم داد ترقی

پی وزارت علم اختیار کرد وزیری
 رفیق دانش و بینش قرین عقل و کفایت
 کنون بدایت امر است باش تا که به بینی
 زاهتمامش معراج علم را به نهایت
 اگر نمود سرایت نخست علم زیونان
 بمان کز ایران دارد چگونه علم سرایت
 نتیجه [ای] زخیالات او جریده دانش
 که از علوم حکایت کند زفضل روایت
 بر آن شدم که بتاریخ بهر تهنیت آن
 سخن سرایم و خواهم زروح قدس حمایت
 که ناگهان یکی آمد زغیب و گفت به الفت

که (این جریده دانش کند زعلم حکایت)». ۱۲۹۹
 همان طور که پیشتر اشارت رفت نشریه دانش را علیقلی مخبرالدوله اداره
 می کرده و محمدکاظم بن احمد معلم شیمی دارالفنون نیز دستیار اول او بوده است.
 این نشریه را در مطبعه همان مدرسه چاپ می کرده اند. رئیس چاپخانه و چاپکار
 دارالفنون در آن عهد میرزا عباس نام داشته که درباره او نوشته اند: «صنعت باسمه
 تصویر بقاعده لیتگرافی [۱] سالهاست صنعت لیتگرافی که کشیدن تصویر در روی
 سنگ فرنگی و باسمه کردن آن است در دارالخلافة الباهره به دست آمده و گاهی
 امتحانی از آن کرده اند ولی بعد از چاپ چنانکه باید و شاید نکات نقاشی و دقایق
 آن درست از کار بیرون نمی آمد و با زحمت زیاد باز مطبوع اتفاق نمی افتاد تا در این
 اوقات که در مطبع دارالفنون ایجاد روزنامه دانش شد میرزا عباس رئیس آن مطبع که
 سالهای دراز در علم نقاشی باسمه و عمل چاپ زحمت کشیده و عمری صرف
 نموده و امروز در این صنعت اول اوستاد و متتبع است به واسطه امتحانات عدیده
 واجزا معموله و عقاقیر مخصوصه راه تکمیل این فن شریف را به دست آورده بنابر

ملکه را خود مشارالیه کشیده و از کار بیرون آورده است و الحق کمال استادی را به کار برده و زاید الوصف از عهده این صنعت برآمده است آن تمثال مبارک اکنون در مطبع مزبور موجود است و امید چنان است که من بعد از اقسام تصاویر و غیره آنچه بخواهد و میل داشته باشند متعهداً به انجام رساند».

افسوس زمانی که «این فن شریف» را «تکمیل» کرد به حیات نشریه دانش خاتمه دادند و او نتوانست نمونه کارهای تصویرگری خود را بر روی «سنگ فرنگی» نشریه دانش «باسمه» کند.

جز طراحی دور عنوان دانش، در دوره این نشریه تنها یک تصویر می بینیم. این تصویر در مقاله علوم طبیعی در بحث «خواص باطنی هوا» مندرج است. در پایان این مقال به دو نکته درباره دانش که در اطلاع آمده اشاره می شود. یکی این که گویا مقاله هایی برای دانش فرستاده اند اما گردانندگان دانش از انتشار آن سرباز زده اند: «در نمره چهارم روزنامه دانش شرحی درباب ذوالقرنین نگاشته چون بر وجه اجمال بود ما تفصیل آن را برای آن روزنامه نوشتیم ظاهراً مقتضی ندیدند درج کنند از آنجا که روزنامه اطلاع برای درج اخبار مفیده علمی و غیر علمی هرگونه که باشد حاضر است آن را در این صحیفه می نگاریم که موجب مزید استبصار مطالعه کنندگان گردد و هو هذا...».

نکته دیگر که درباره دانش در اطلاع آمده در همین ارتباط است و آن هم مطلبی است که گویا مجال نشر در دانش نیافته و پاسخی است به یکی از مندرجات دانش که در لابه لای آن از دانش نیز انتقاد شده است: «مکتوب مسطور در ذیل را شخصی به امضای ابوالخیر به اداره اطلاع فرستاده

در نمره سی و پنجم روزنامه اطلاع شرحی دیده شد که شخصی متدین از وضع معالجه دو نفر طیب نوشته بود بعد از آن جوابی سخت در نمره اول روزنامه دانش ملاحظه کردیم که حق یا باطل به آن شخص متدین داده بودند نه نویسنده اول را دانستم که بود نه جواب دهنده دویم را و معلوم نشد که مقصود اولی، غرض

رعایت مردمی همچنان نفهمیدیم جواب دویمی از چه راه بود الحق مر او را مهیج گردیده یا قصد دیگر او را محرک بوده و در هر حال از آن جواب و سؤال مباشرین و کسانی که باید ملتفت کارها باشند تنبهی حاصل نمودند که چاره در کار نمایید و نگذارند نفوس محترمه بی جهت و سبب به واسطه سوء تدبیر اطبای نادان یا فروش ادویه سمیه به ورطه هلاکت افتند یا نه اغراض به جای خود ماند سؤال و جوابی کردند و گذشت و چنین تصور نمودند که قلم و زبان مردم بعدها شکسته و گنگ است خیر چنین که تصور نموده اند نیست دولت ایران بجهة حفظ صحت عامه در سال از مواجب اطبا و مخارج مریضخانه و تنظیف بلاد زیاده از شصت هزار تومان خرج می کند و اگر ملاحظه مالیات ایران را نمایند و نسبت به ممالک فرانسه و انگلیس دهند باید گفت دولت ایران بالنسبه زیادتر از انگلیس و فرانسه خرج این راه صواب می نماید پس چرا مواظبتی در کار نیست...».

نویسنده این مطلب سپس مثالی زده و به انتقاد از طبیبان پرداخته و در پایان نوشته است: «شاید روزنامه دانش باز جوابی برای این مطلب بنویسد اما کاش به جای جواب آن روزنامه شریفه هم با ما در این باب هم رای شده به جای این که از آسمان و کواکب و ذوات الاذئاب و حرارت و برودت گفتگو نماید قدری در تدبیر حفظ صحت و شرایط لوازم آن سخن راند تا متضمن فواید عامه و سلامت نفوس محترمه باشد و محرک دایره حافظ الصحة و اداره پلیس شده تدبیری در عمل عطاران و دوا فروشان و اطبا بنمایند و والسلام یکی از مطالعه کنندگان اطلاع ابوالخیر».

پانوشتها:

۱. پس از انتشار دانش «وقایع نگار فرهنگ از طهران» برای این نشریه نوشت: «درین اوقات در مدرسه مبارکه دارالفنون طهران روزنامه مخصوصی به اسم دانش طبع و نشر می شود امیدواریم که سرمایه دانش و بینش عامه گردیده و علوم و صنایع را پیوسته تکمیل نماید ما نیز بنابر لازمه اخوت و فریضه مجالست، مدیر و منشی آن را تهنیت و تبریک می گوییم» (فرهنگ، س ۴، ش ۱۵۶، ۵ شعبان ۱۲۹۹ ق، ص ۱).

۲. دانش، ش ۱، شنبه ۲۳ شهر رجب ۱۲۹۹ ق، ص ۱.

۳. دانش، ش ۱، شنبه ۲۳ شهر رجب ۱۲۹۹ ق، صص ۲ - ۳.

۴. همان، صص ۳ - ۴.

۵. اطلاع، ش ۳۸، یکشنبه ۱۵ شعبان ۱۲۹۹ ق، ص ۳؛ محمدحسن خان در خاطره‌ای از خواندن این نشریه در نزد ناصرالدین شاه به این شرح نقل کرده است که: «پنجشنبه یازدهم [رمضان ۱۲۹۹ ق] که در رکاب همایون به کم رود رفته بودم روزنامه دانش مخبرالدوله را مجول خان در حضور می خواند. در این روزنامه تعریف کرده بود که در این عصر همایون ترقیات به چه درجه و اندازه شده است. شاه فی الفور این شعر هجو محمدتقی خان کلاه دوز را که در زمان محمدشاه ساخته بودند خواندند.

روز بازار کپک اقلی زنقجه لر است هر که زن قجه گیش بیشتر او پیشتر است

۶. من عرض کردم فرد دیگر هم دارد: «قرباغ ایشیکین حیف دیر قجه دهن». مصرع ثانی را خود شاه خواندند: «بوایشی شاه الپ مملکت سیجده لر است». مقصود این بود اگر در این عصر همایون هم زن قجه‌ها بیشتر هستند خودت این کار را کرده‌ای» (روزنامه خاطرات، ص ۱۸۶).

۷. روزنامه خاطرات...، ص ۱۷۷.

۸. روزنامه خاطرات...، ص ۱۷۷.

۹. همانجا.

۱۰. روزنامه خاطرات...، ص ۱۷۸.

۱۲. دانش، ش ۳، دوشنبه غره رمضان ۱۲۹۹ ق، ص ۳.
۱۳. دانش، ش ۹، یکشنبه غره محرم ۱۲۹۹ ق، ص ۴.
۱۴. دانش، ش ۷، جمعه غره ذیقعدله ۱۲۹۹ ق، صص ۱ - ۲.
۱۵. دانش، ش ۱۰، دوشنبه ۱۶ ذیحجه ۱۲۹۹ ق، ص ۱.
۱۶. دانش، ش ۳، دوشنبه غره رمضان ۱۲۹۹ ق، ص ۲.
۱۷. دانش، ش ۵، چهارشنبه غره شوال ۱۲۹۹ ق، ص ۴.
۱۸. دانش، ش ۱۳، سه شنبه غره صفر ۱۳۰۰ ق، ص ۴.
۱۹. دانش، ش ۲، شنبه ۷ شعبان ۱۲۹۹ ق، ص ۴.
۲۰. دانش، ش ۱۲، سه شنبه ۱۶ محرم ۱۳۰۰ ق، ص ۴.
۲۱. دانش، ش ۱۴، چهارشنبه ۱۶ صفر ۱۳۰۰ ق، ص ۴.
۲۲. دانش، ش ۳، دوشنبه غره رمضان ۱۲۹۹ ق، ص ۱.
۲۳. دانش، ش ۳، دوشنبه غره رمضان ۱۲۹۹ ق، ص ۴.
۲۴. دانش، ش ۱۴، چهارشنبه ۱۶ صفر ۱۳۰۰ ق، ص ۴.
۲۵. دانش، ش ۶، پنجشنبه ۱۶ شوال ۱۲۹۹ ق، ص ۴.
۲۶. اطلاع، ش ۵۱، جمعه ۹ ربیع الاول ۱۳۰۰ ق، ص ۳.
۲۷. اطلاع، ش ۴۷، شنبه ۲۸ ذیحجه ۱۲۹۹ ق، ص ۳.
۲۸. همانجا.